

مقدمه:

ادبیات اقیانوس بی کرانی است که می توان دردل آن گوهرهای نفیسی صید کرد. گوهرهایی که برای همگان شناخته شده نیست .

یکی از این گوهرهای ناشناخته دیوان محتشم کاشانی است که کمتر مورد توجه محققین و پژوهشگران قرار گرفته است. کسانی که اندک آشنایی با محتشم کاشانی دارند به واسطه ی دوازده بند معروف عاشورایی اوست و این مسأله بقیه ی اشعار زیبای او را تحت الشعاع قرار داده است. محقق در راستای کمک به بالا بردن سطح فرهنگ جامعه و تسهیل درک مفاهیم مختلف دیوان شاعر اقدام به انجام این پژوهش نموده است تا علاوه بر شناخته تر شدن محتشم ظرافت و سطح معلومات او بر خوانندگان آشکار گردد.

عنوان این پژوهش فرهنگواره ی دیوان محتشم کاشانی است و مبنای پژوهش هفت دیوان محتشم کاشانی به تصحیح دکتر عبدالحسین نوایی و مهدی صدری است که در دو جلد و شامل: شبیهه، شباییه، صبایه، رساله ی جلالیه، رساله ی نقل عشاق، ضروریات و معنیات می باشد. با توجه به بررسی دیوان های مختلف چاپ شده از محتشم دیوان دو جلدی چاپ شده به تصحیح دکتر نوایی به عنوان مبنای انتخاب شد.

مطالب این پژوهش در چهار فصل گردآوری شده که به شرح ذیل می باشد:

فصل اول: شامل کلیات تحقیق است که در آن سوالات تحقیق، اهداف و روش ها و پیشینه ی تحقیق بیان شده است.

فصل دوم: دربرگیرنده ی زندگی نامه ی محتشم و ویژگی شعرا و نیز اوضاع سیاسی، اجتماعی، دینی و ادبی ایران در عصر محتشم است.

فصل سوم: که بخش مهم تحقیق را دربردارد شامل داده های پژوهشی از قبیل: لغات و اصطلاحات، کنایات، تلمیحات، آیات و احادیث، اصطلاحات عرفانی، دیوانی، نجومی، طبی، منطقی، صرف و نحو و ابیات عربی دیوان محتشم است که به صورت الفبایی شرح داده شده است.

فصل چهارم: در این فصل نتیجه گیری لازم از تحقیق انجام گرفته و سپس فهرست ها و ضمائم مورد نیاز به آن افزوده شده و سرانجام منابع و مأخذ مورد استفاده در تحقیق ذکر گردیده است.

شیوه ی کاردراین پژوهش:

ابتدا دیوان شاعربه دقت مورد مطالعه قرار گرفت ودرضمن مطالعه واژه ها وترکیبات دشوار واصطلاحات دیوانی، عرفانی، نجومی، طبی، علوم عقلی، تلمیحات، آیات واحادیث وایات عربی موجودردیوان از متن آن استخراج گردید.

درمرحله ی بعد اطلاعات موجود دسته بندی شد وجهت شرح هریک از آنها به منابع وماخذ مشخص ومرتب مراجعه ومطالب واطلاعات مورد نیاز یادداشت برداری گردید. باتوجه به عنوان پژوهش بیشترین منابع مورد استفاده فرهنگ ها ولغت نامه ها می باشد که سعی شده بهترین وکامل ترین ودرعین حال جامع ترین فرهنگ های موجود استفاده شود.

درطول مراحل تحقیق از کتابخانه های معتبر مانند کتابخانه ومركز اسناد مجلس شورای اسلامی وکتابخانه ملی ملک وکتابخانه ی مرحوم آیت الله مرعشی درقم استفاده شده است.

دراین پژوهش عددهای داخل پرانتزها شامل صفحه ی بیت شاهدمثال وشماره غزل یا قصیده و بیت می باشد.

محقق باوجود تلاش شبانه روزی ودقت درانجام این تحقیق مدعی کامل بودن آن نمی باشد واز اساتید وصاحب نظران گرامی تقاضا دارد کاستی های موجود رابه دیده ی اغماض بنگرند.

مصلحی توای توسلطان سخن

گر خطا گفتیم اصلاحش توکن

فصل اول:

کلیات تحقیق

کلیات تحقیق:

الف- سوالات تحقیق:

نخستین پرسش آن است که تحقیق مادرباره ی چیست و چه مسایلی را پاسخ خواهد داد؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت در این پژوهش به دنبال آن هستیم که فرهنگواره ای از دیوان محتشم کاشانی تنظیم نمایم تا یاریگر پژوهشگران و علاقه مندان به شعر پارسی باشد. برای دستیابی به این مهم دیوان محتشم را به طور کامل و به دقت بررسی و مورد مطالعه قرار می دهیم و بر آن هستیم تا از رهگذر این پژوهش به سؤالات زیر درباره ی دیوان محتشم کاشانی پاسخ دهیم:

- ۱- محتشم کاشانی کیست؟ سبک و بیان شاعری و اندیشه های او چگونه است؟
- ۲- شاعر چه میزان از آیات قرآنی و احادیث معصومین (ع) در دیوان خود بهره جسته است؟
- ۳- معانی لغات، ترکیبات و تعبیرات به کاررفته در دیوان محتشم چیست؟
- ۴- میزان بهره وری شاعر از لغات، تعبیرات و ترکیبات عربی چه مقدار است؟
- ۵- آیا محتشم در دیوان خود از تعبیرات کنایی بهره جسته است؟ چه میزان؟
- ۶- شاعر از اصطلاحات دانش های دیگر چه بهره ای برده است؟

ب- روش تحقیق (کتابخانه ای):

روش تحقیق و رویکرد محقق در این اثر بر اساس روش کتابخانه ای و نظری می باشد که محقق با مراجعه به کتابخانه های مختلف و استفاده از منابع گوناگون در خصوص زندگی شاعر و دوره ی شاعری او اطلاعاتی را کسب نموده و سپس با مبنا قرار دادن دیوان محتشم کاشانی اقدام به استخراج لغات و اصطلاحات و ترکیبات دیوان نموده و آیات و احادیث به کاررفته در آن را استخراج و پس از فیش برداری شماره ی صفحه و بیت را مشخص کرده و با کمک فرهنگ های مختلف به ترتیب الفبا آن ها را شرح نموده است.

پ- اهداف تحقیق:

پژوهشگر در صدد است تا با انجام این تحقیق به اهداف مهم زیر دست یابد:

- ۱- معرفی کامل محتشم کاشانی و دیوان اشعار وی.
- ۲- سهل الوصول نمودن دیوان این شاعر برای بهره برداری علاقه مندان و پژوهشگران.
- ۳- کمک به اعتلای زبان و ادبیات فارسی.

ت- سابقه و ضرورت انجام تحقیق:

بدون شک تدوین هر فرهنگی در هر زمینه به درک مفاهیم مطلب کمک قابل توجهی می کند. کم ترین فایده ی این تحقیق آن است که درآموزه های مردم تاثیر مثبت دارد و به بالا بردن سطح فرهنگ جامعه کمک می کند و درک مفاهیم مختلف دیوان محتشم راتسهیل می نماید. از طرفی دیگر تاثیر بی بدیل محتشم بر ادبیات شیعه، مهاجروناشناخته ماندن سایر اشعار و رویکرد ناچیز محققان به تحقیق در دیوان این شاعر اهمیت و ضرورت تحقیق را بیشتر مشخص می کند.

شمار کتابها و فرهنگ های چاپ شده در هر زبان با سطح علمی و فرهنگی مردم آن زبان و جامعه ارتباط دارد و تهیه ی این فرهنگواره برای دانشجویان و همه ی علاقه مندان به محتشم و اشعار او ضرورت دارد و تحقیق و پژوهش در دیوان او را سرعت می بخشد و التذاذ ادبی خوانندگان آن رامی افزاید و سرانجام آن که ظرافت باریک بینی ها و سطح معلومات شاعر را آشکار می سازد.

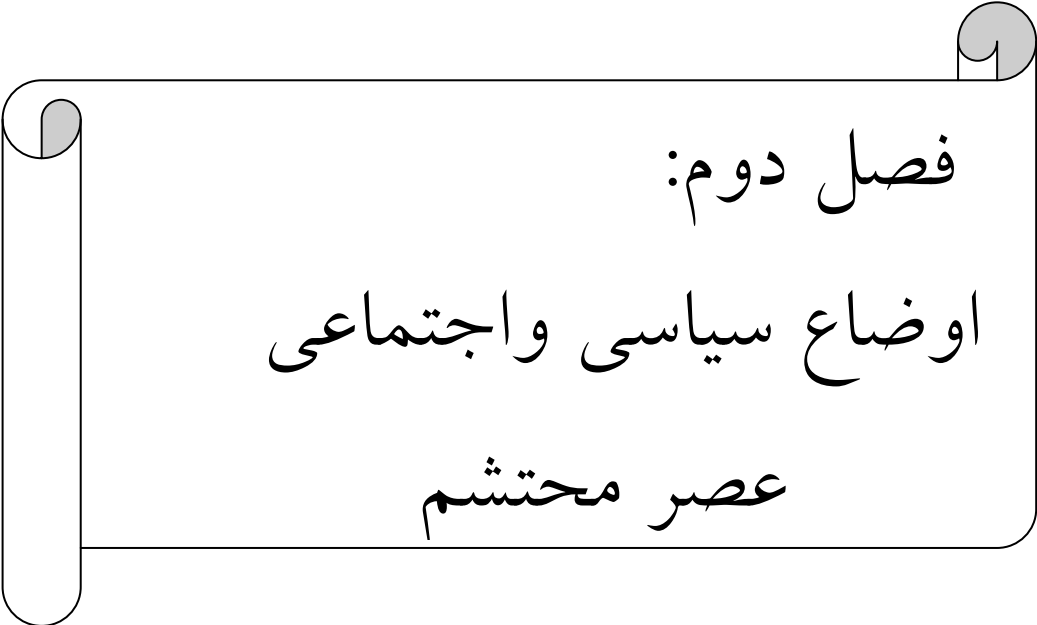
با توجه به استعلام به عمل آمده تا کنون تحقیقی تحت عنوان فرهنگواره برای دیوان محتشم کاشانی صورت نگرفته است. با مراجعه به سایت ها، مجلات علمی و کتب و منابع گوناگون مشخص شد تا کنون تنها چند مقاله که بیشتر آنها با موضوع دوازده بند معروف محتشم می باشد چاپ شده است. در یکی از مهم ترین این مقالات در مجله ی ارمغان، حسین پرتویضایی ضمن انتقاد از چاپ دیوان محتشم به وسیله ی حیدر علی صاحب شیرازی در بمبئی هویت و مقام و روحیات محتشم را بر شمرده است. اما تا کنون هیچ پژوهشی با عنوان فرهنگواره یا فرهنگ نامه برای دیوان این شاعر به انجام نرسیده است. لذا محقق بر خود فرض دید پژوهش حاضر را با استعانت الهی و مساعدت و راهنمایی دلسوزانه ی اساتید به انجام رساند.

این پایان نامه شامل چهار فصل است.

ث- رموز و علائم اختصاری:

رموز و علائم به کاررفته در این اثر به شرح ذیل است:

۱- آندراج:	فرهنگ فارسی آندراج
۲- امثال:	امثال و حکم دهخدا
۳- برهان:	برهان قاطع
۴- بهار:	فرهنگ بهار عجم
۵- دهخدا:	لغت نامه ی دهخدا
۶- دیوانی:	فرهنگ اصطلاحات دیوانی
۷- سخن:	فرهنگ بزرگ سخن
۸- عرفانی:	فرهنگ اصطلاحات عرفانی
۹- غیاث:	فرهنگ غیاث اللغات
۱۰- فرهنگنامه:	فرهنگنامه ی شعری
۱۱- کنایات:	فرهنگ کنایات
۱۲- معاریف:	فرهنگ معارف و معاریف
۱۳- ناظم:	فرهنگ ناظم الاطباء
۱۴- نجومی:	فرهنگ اصطلاحات نجومی
۱۵- ب:	بیت
۱۶- ج:	جمع
۱۷- ش:	شماره
۱۸- ص:	صفحه
۱۹- صص:	صفحات



فصل دوم:
اوضاع سیاسی و اجتماعی
عصر محتشم

۱-۲ اوضاع سیاسی و اجتماعی و دینی و علمی و ادبی ایران در عصر محتمل

اوضاع سیاسی دوره مورد بحث که با فراز و نشیب های فراوان همراه است با حکومت، جنگاوری و پیروزی های مردانی مانند شاه اسماعیل و شاه عباس صفوی و شاه طهماسب از جهات مختلف قابل توجه است.

بی تردید با رسمیت یافتن تشیع در این عصر و با اهتمام شاهان صفوی در این دوره وحدت ملی احیا شد و از نظر نظام اداری منظم که با تدبیر شاه اسماعیل و شاه عباس بزرگ ایجاد شده بود یکی از دوره های درخشان تاریخ ایران به حساب می آید. (هدایت، ۱۳۸۰: ۶۳۹۱)

مطابق عقیده ذبیح اله صفا در کتاب تاریخ ادبیات در ایران این دوره پر از ملایم و نا ملایم، زشت و زیبا و نیک و بد است که آمیزش دین و سیاست به صورت یک مأموریت مقدس دینی و الهی مشخصه بارز آن می باشد. (صفا، ۱۳۷۱: ۹)

پس از مرگ ناگهانی شاه اسماعیل و جانشینی شاه طهماسب به جای وی یکی از روی دادهای مهم در این دوره پناه آوردن همایون پادشاه هند به ایران است که سفر او به ایران باعث تجدید رابطه خاندان تیموری با ایران و فرهنگ ایرانی و حفظ و ادامه دوستی میان جانشینان شاه اسماعیل و بازماندگان ظهیرالدین با بر در هند گردید. (هدایت، ۱۳۸۰: ۶۴۳۳)

همایون پس از مدتی اقامت در ایران و آشنایی با اهل شعر و ادب و هنر جمعی از آنان را به هند برد و این امر موجب گسترش ادب و هنر ایرانی در هند شد.

سرانجام دولت صفوی که با قوت و اقتدار شاه اسماعیل و شاه عباس کبیر آوازه عظمت ایران را تا سرزمین های دور دست رسانیده بود با اختلاف و دودستگی و طمع ورزی و سرکشی و طغیان امیران و دولتیان از یک طرف و خود کامگی و عیاشی و فساد و راحت طلبی و بی کفایتی شاهزادگان و جانشینان آنان در ورطه سقوط و تباهی افتاد. (صفا، ۱۳۷۱: ۳۳)

دوره پادشاهی گورکانیان هند همانطور که در سطور قبلی به آن اشاره کرده ام دوره اعتلای نفوذ فرهنگ ایرانی و رواج بی چون و چرای زبان فارسی در سراسر شبه قاره هند بود به نحوی که دیگر زبان و شعر پارسی اختصاص به ایرانیان نداشت بلکه بسیاری از هندوان مسلمان و نا مسلمان و یا

بازماندگان ایرانیان از دوره‌های قبل در هند در شمار سخنوران نامبردار به زبان فارسی درآمدند که از آن جمله می‌توان به فیض فیاضی و فانی کشمیری و غنی اشاره کرد. (همان، : ۴۸)

یکی از والاترین ارزش‌های تاریخی صفویان تجدید وحدت سیاسی و ملی و مذهبی ایرانیان است که در آن کشور ایران به صورت یک سرزمین مستقل در محدوده جغرافیایی و فرهنگی و با مرزهای ویژه آن در دوران‌های استقلال خود در آمد و از دیگر کشورهای اسلامی به طور قطع متمایز و مشخص گردید که یکی از عوامل اساسی در ایجاد وحدت و تمرکز سیاسی و گرایش ملت ایران به تشیع و دوری روز افزون از مذاهب اهل سنت است. (همان، : ۶۵)

از لحاظ مذهبی و دینی دوران صفوی عصر غلبه و رواج قطعی مذهب شیعه اثنی عشری می‌باشد هنگام قیام شاه اسماعیل دین رسمی اسلام به روش اهل تسنن بود و از گروه شیعیان عمده ای در مراکز دیرین خود مانند شمال ایران، مشهد، سبزوار، ری، قم و کاشان متمرکز بودند. شاه اسماعیل تصمیم قاطع به رسمی کردن تشیع گرفت و طبق قول نویسنده حبیب السیر فرمان داد تا خطبای ممالک آذربایجان خطبه به نام نامی ائمه اثنی عشر (ع) خوانند و مؤذنان مساجد و معابد لفظ « اشهد أنّ علیاً ولی الله » را داخل کلمات اذان سازند و در نتیجه اجرای این سیاست آوازه منقبت امامان شعه بر سر منبرها بلند شد. از لحاظ ادبی این دوره یکی از بهترین دوره‌های رواج و روایی زبان پارسی در آسیا می‌باشد که این امر به فراوانی نوشته‌ها و سروده‌های نویسندگان و شاعران کمک شایانی نموده است و باعث شد تا دوران صفوی یکی از بارورترین دوره‌های تاریخ ادبیات فارسی شود و مهم ترین عامل همانطور که قبلاً اشاره کرده‌ام توجه و اهمیت فرمانروایان هند و فرمانگذاران آنها در شبه قاره هند به زبان و ادب پارسی و گسترش آن در قلمرو دولت عثمانی و آسیای مرکزی است. (همان، ۴۲۲)

همزمان با رواج تشیع در ایران و احیای دانش‌های مذهبی و مهاجرت گروهی از عالمان تازی نژاد شیعه به ایران دوره جدیدی از نفوذ فرهنگ تازی در ایران آغاز شد. به طوری که در حوزه‌های مذهبی شیعه در این عهد زبان اصلی تعلیم و تألیف عربی بوده است. (همان، ۴۳۲)

زبان فارسی در عهد صفوی از تحولات در امان نبوده است و این دگرگونی به صورت‌های مختلف مانند ساده تر شدن برخی از واژه‌ها، تغییر یافتن معنی بعضی از آنها، متداول شدن واژه‌های تازه، رواج تعبیرها و ترکیب‌های نو تحقق می‌یافت و از جمله عواملی که بر این دگرگونی تأثیر

به سزا داشته است این است که بیشتر گویندگان از مردم عادی و از پیشه وران و یا بی سرمایه‌گان از ادب پارسی بودند. و یا این که عده‌ای از همین گویندگان اصلاً پارسی زبان نبوده‌اند و از دیار ترکان و هندوان برخاسته‌اند. (همان، ۴۳۷) در کتاب تاریخ ادبیات ایران جورج موريسن شعر این دوره را شعری می‌داند که بنابه عللی حرکتی آگاهانه در جهت نوعی ابداع و نوآوری و یادست کم تحول و تا اندازه‌ای ساده‌گرایی انجام داد و شاعران رویکردی به تجارب زندگی داشته‌اند. (موريسن، ۱۳۸۰: ۴۱۹)

ذبیح‌اله صفا عواملی را موجب سستی و انحطاط زبان فارسی در این دوره می‌داند و نمونه‌هایی از موارد سستی و ضعف شعر پارسی این دوره را در کتاب تاریخ ادبیات در ایران ذکر نموده که ما در این مبحث مجال پرداختن به آن را نداریم. در این دوره ادب فارسی خاصه شعر به صورت یکی از پایه‌های اصلی کمالات مورد توجه و استقبال بزرگان هند و روم و ایران بوده است و شاهزادگان و امیران خود را ناگزیر از فراگرفتن ادب می‌دانستند و همه آنها در کار شعر و ادب کوشیده‌اند و با همه این احوال هند را باید قرارگاه شعر و ادب فارسی در این دوره بدانیم. (صفا، ۱۳۷۱: ۴۴۳) شعر و شاعران دوره صفوی را بایستی با موقعیت‌های زمانی و مکانی و با نقطه نظرات مختلف مورد نقد و بررسی قرارداد زیرا مثلاً شعر باباغانی با شعر وحشی و شعر سحابی استرآبادی با شعر نظیری نیشابوری و نگاه ظهوری ترشیزی با نگاه هستی‌شناسانه بیدل دهلوی متفاوت و مختلف است و شعر شاعرانی که به هندوستان مهاجرت کرده‌اند و در آن فضا زیسته‌اند با شعر شاعرانی که در ایران بوده‌اند متفاوت است. عصر صفوی دوره تعدد سبک‌هاست و سبک شاعرانی مانند محتشم که در اوایل این دوره می‌زیسته‌اند با سبک شاعرانی مانند صائب که در آخر آن بوده‌اند یکسان نیست. (همان، ۵۲۲)

ادوارد براون در کتاب تاریخ ادبیات ایران می‌نویسد:

یکی از مسایل عجیب و در بادی امر لاینحل زمان صفویه قحط و فقدان شعرای مهم است معماری، نقاشی و سایر صنایع فوق العاده ترقی نموده اما اگر چه در تحفه‌ی سامی و دیگر تذکره‌ها نام گروه فراوانی از شاعران ثبت شده است، برای ما مشکل است که یکی از آنها را به استثنای جامی و هانفی و هلالی در درجه اول محسوب بدانیم و به دشواری می‌توان یکی از این شاعران را یافت که دارای لیاقت بارز و قریحه مبتکر باشد. (براون، ۱۳۶۹: ۱۲۴)

بر خلاف نظر براون، ذبیح اله صفا اظهار داشته‌اند: با نظری اجمالی در این سیر طولانی شعر و دگرگونی‌های آن از آغاز سدهٔ دهم تا میانهٔ سدهٔ دوازدهم به نوعی از امتناع حکم کلی دربارهٔ آن پی می‌بریم و آن را به کلی خلاف تحقیق می‌یابیم طبیعی است که می‌توان بعضی از ویژگی‌های شعر را چه لفظی و چه معنوی در این دوره با توجه به دسته بندی‌ها که شده در ذیل یک عنوان آورد مثلاً دربارهٔ توجه عمومی شاعران به مضمون آفرینی و باریک اندیشی یا به ارسال مثل در شعر و یا بیان حال و واقعه در عشق و ماندهای این به طور کلی، اما اینها هیچ یک بیان حکم کسی دربارهٔ سبک واحد شعر در این دوره نخواهد بود. (صفا، ۱۳۷۱: ۵۳۰-۵۲۹)

یان ریپکا و همکارانش معتقدند که ادبیات این دوره به کژروی گرایید و جهت گیری ادبیات به سوی شیعه گری بوده است که در آن شعرهای ستایشگرانه و غیرمذهبی جای خود را به ستایشگری از امامان شیعه داد و به طور کلی ادبیات ثابت و بدون پیشرفت باقی ماند. (ریپکا، ۱۳۷۰: ۴۲۵)

۲-۲ شرح حال محتشم کاشانی:

شمس الشعرا کمال الدین محتشم کاشانی پسر خواجه میر احمد از خاندان متمکن در کاشان به دنیا آمد سال تولد او را ۹۳۵ هـ ق ذکر کرده‌اند.

او مانند معاصر خود خواجه ثنایی بازرگان زاده‌ای بود که تا آغاز جوانی کار پدر را دنبال می‌کرد و سپس از آن کار دست بازداشت و شاعری را شغل خود ساخت و در این فن شاگرد مولانا صدقی استر آبادی بود. دوران زندگی او معاصر با پادشاهی شاه طهماسب صفوی بود، محتشم بیشتر عمر خود را در کاشان گذراند و در همین شهر هم در سال ۹۹۶ هجری درگذشت.

محتشم با شاعران معاصر خویش حیرتی تونی، حالی گیلانی، مجاهدالدین خوانساری، میرزا سلمان جابری، ضمیری اصفهانی و وحشی بافقی رابطه داشته و با آنان مشاعره و و مکاتبه می‌کرده است. محتشم پس از ازدواج با همسرش بیش از یک سال زندگی نکرد و به سبب این که فرزندی از همسرش پیدا نکرد کارشان به جدایی کشید و تا آخر عمر دیگر متأهل نگردید. وی در ضمن اشعار خود به این نکته اشاره می‌کند:

متأهل شدن من چو قیاسی است عقیم که از آن عقم بود در تتق غیب انتاج

(هفت دیوان، ص ۴۳۵)

او برادر زاده‌ای داشته که برایش بسیار محترم و عزیز بوده و از او به عنوان قره العین یاد می‌کند:

قره العین من آن اختر برج اخوی هم نیامد که سراجم شود از وی وهّاج

(هفت دیوان، ص ۴۳۵)

با توجه به بررسی محقق در دیوان محتشم وی در بیش از ده مورد به ابتر بودن خودونداشتن فرزند اشاره می‌کند.

محتشم در سال‌های پایانی عمر دچار بیماری دردناک و طولانی بوده و مدت درازی زمین‌گیر شده است و غیر از دو مورد سفر به اصفهان و شیراز آن هم قبل از بیماری سفرهای دیگری انجام نداده است البته آرزوی سفر به هند را در سر داشته که هیچ‌گاه عملی نشده است. (نویسی، ۱۳۸۰: ۱۲)

او قصاید و مدایحش راهمه ساله به وسیله‌ی برادرش عبدالغنی به دربار هند ارسال می‌کرده است. (پرتویضایی، ۱۳۱۶: ۴۶۶) در اشعار خود بارها به درد پا و ناتوانی و پای ناروان خود اشاره می‌کند. از جمله موارد دیگری که محتشم در اشعار خود مکرراً ذکر کرده فقر و تنگدستی است. وی گرچه در آغاز کار از خانواده‌ای توانگر بود و پدرش عنوان خواجه داشت و صاحب ثروت بودند اما همانطور که خودش اشاره می‌کند در پیشه‌اش دچار کم و کسر مالی شده و اعلام ور شکستگی کرده است.

وام چون از حد گذشت و راه سودا بسته شد بر شکستم من وزین درهم شکست آن کار و بار

(هفت دیوان، ص ۶۵۶)

محتشم بعد از آن یکسره به کار شاعری پرداخت و این امر موجب تنگدستی و فقر او شد.

غلام بی بدلت محتشم که از افلاس کنون تخلص او مفلسی است در دیوان

(هفت دیوان، ص ۵۹۴)

با بررسی آثار محتشم او را مسلمانی پاک دل و شیعه‌ای صافی نهاد و شاعری معتقد و انسانی متدین می‌بینیم. مدایح و مراثی فراوان و ارزنده‌ی وی در باب ایمة اطهار (ع) و از جمله دوازده بند

جانسوز و شیوا و برخاسته از دل او خود گواهی روشن بر اعتقاد و باورهای راستین او نسبت به امامان معصوم (ع) است و نام های مبارک چهارده معصوم (ع) در دیوان او دیده می شود.

ای دل سخن از شه نجف کن مداحی غیر برطرف کن

از رهبر خود مباش غافل کز بحر گنه رسی به ساحل

(هفت دیوان، ص ۱۴۸۰)

بااستناد به کتاب هفت دیوان محتشم به تصحیح عبدالحسین نوایی محتشم در روزگار خود به عنوان ملک الشعرائی مفتخر شده است و مورد احترام اهل فضل و ادب بوده و حکم ملک الشعرائی او از جانب شخصیت مهمی به نام پریخان خانم دختر شاه طهماسب صفوی صادر شده است.

(هفت دیوان، ۱۳۸۰: ص ۲۰)

محتشم در بسیاری از اشعار خود به مضامین به کاررفته در دیوان خویش مفاخره می کند:

محتشم ساختی او را به سخن رام آخر معجز طبع سخن ساز تو را بنده شوم

(هفت دیوان، ص ۱۰۴۵)

محتشم در جوانی به دربار شاه طهماسب صفوی راه یافت و به مناسبت قصیده ها و غزل های زیبایش مورد لطف شاه قرار گرفت به طوری که قصایدش در مدح شاهزادگان حتی شاه طهماسب بی احساس راهم به تایید و اد داشت. (ریپکا، ۱۳۷۰: ۴۳۱) نظر به معتقدات دینی خود و احساسات شیعی دربار صفوی به سرودن اشعار مذهبی و مصایب اهل بیت که در نوع خود تازه و بی بدیل بود پرداخت به طوری که می توان او را یکی از معروف ترین شاعران مرثیه گوی ایران دانست. این شاعر فرهیخته یکی از بهترین منظومه های نمایشی را به یادگار گذاشت و با زبان شعر فرهنگ عاشورا را بین مردم به ویژه مداحان اهل بیت رواج داد. (صفا، ۱۳۷۱: ۶۲۴)

محتشم در ساختن ماده تاریخ و مرثیه و منقبت در عهد خود و بعد از آن مشهور بود. دوازده بند معروف او به قول آذر بیگدلی « در اکثر بلاد اسلام بین الخاص و العام مشهور است. » (آتشکده: ۱۲۵) و این مرثیه ی معروف تا به امروز لطف خود را که ناشی از صفا و صداقت حقیقی آن است از دست نداده است.

در شعر و نثر دنباله رو استادان پیشین است و به گونه ای می‌خواهد شیوه استادان قبل از سده هشتم را در قصاید خود به کار برد. (صفا، ۱۳۷۱: ۶۰۸) در قصایدش صنعت حسن طلب به وفور دیده می‌شود او دو صف محبوب گاه اغراقی شاعرانه به کار می‌برد و بابهره گیری از مولفه های دینی و شخصیت های تاریخی بر مبالغه ی خود در ستایشگری افزوده است. در اشعار او علاوه بر عناصر زیباشناختی به سبک شاعران خراسان و عراق، مفاخره نیز وجود دارد. او قصیده های خود را بیشتر در جواب استادان گذشته حتی انوری سروده است:

من چنان شمع معنی افروزم کانوری مستنیر از آن باشد

(هفت دیوان، ص ۳۳۳)

واله ی داغستانی محتشم رامقلد و شاگرد و خوشه چین خرمن بابا فغانی می داند. (همان، ۵۲۸) شمیسا نیز به همین نظریه معتقد است و او را از شاعران معروف مکتب وقوع خوانده است که بعدها مداح شاهان صفوی و اهل بیت شده است. (شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۶۹)

مطلب مهم در شعر دوران صفوی سادگی لفظ و تازگی زبان شعر است و محتشم مانند وحشی در شعر به روانی لفظ و خالی بودن آن از پیچیدگی های معهود توجه دارد. (صفا، ۱۳۷۱: ۵) شعر او از لحاظ زبانی نه مثل سبک عراقی فصیح و بلیغ است و نه مثل برخی از شاعران سبک هندی عامیانه، اما از لحاظ فکری مبتنی بر بیان مطالب جزئی و حالات عاشق و معشوق و ماجراهای عاشقانه است و از نظر ادبی شعر او ساده است و از صنایع عادی و مستعمل بدیعی و تشبیهات و استعارات تکراری بهره گرفته است. (شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۸۰)

شرح احوال محتشم در بسیاری از تذکره های معروف از جمله تحفه ی سامی، خلاصه التواریخ، تذکره الشعراء، تذکره ی مجمع الخواص ذکر شده است. اما مهم تر و معتبر تر از همه آنها تذکره خلاصه الاشعار و زبده الافکار تقی الدین حسینی کاشانی متخلص به ذکری است که از محتشم به عنوان حسان العجم و پیشوای شاعران یاد می‌کند و می‌گوید که در فن شاعری از همه کس در پیش است و او را خاقانی زمان و سلمان عصر می داند. (خلاصه الاشعار: ۵) تقی الدین از شاگردان محتشم بوده که پس از مرگش دیوان او را در شش کتاب جمع کرده است. (خلاصه الاشعار، نسخه خطی، ش ۳۳۴)

دیوان او شامل شیبیه، شباییه، صباویه، رساله ی جلالیه، رساله نُقل عشاق، ضروریات و معنیات است و مجموع آنها به سیزده هزار بیت می‌رسد.

در باب مرثیه و ترکیب بند معروف محتشم دو تن از بزرگان سده ششم، یعنی: خاقانی شروانی و حمدبن سلیمان راوندی صاحب کتاب راحه الصدور در کار او تأثیر فراوانی داشته اند و شاعران بسیاری نیز پس از محتشم از ترکیب بند او در شعرها و نوحه‌هایشان سود برده‌اند. ادوارد براون درباره ی شعر محتشم می‌نویسد: « شعر محتشم مانند ناصر خسرو از دل بر می‌آید و بر دل می‌نشیند و می‌توان آن را شعری اصیل دانست». (براون، ۱۳۶۹: ۱۸۲)

تجلی عاشورا در شعر محتشم:

محتشم پدر مرثیه سرایی و جگر بند عاشورایی است بی شک محرم بانام محتشم درهم آمیخته است و کتیبه های منقش به ترکیب بند معروف احوال و هوای حسینه ها و تکیه ها را عاشورایی می‌کند. او با هنرمندی خاصی واقعه ی کربلا را در مقابل دیدگان خواننده مجسم می‌سازد، احساسات محبان اهل بیت را برمی‌انگیزد و به قول محدث قمی در هدایه الاحباب گویا آن اشعار از حزن و اندوه نگاشته شده و یا از خاک کربلا سرشته شده است و این اشعار مثل مصیبت حضرت اباعبدالله به هیچ وجه مندرس نمی‌شود. (قمی، ۱۳۶۳: ۲۵۲) به قول ادوارد براون این شعر بیان کننده ی احساسات عمیقی است که مصیبت فراموش ناشدنی واقعه ی کربلا در قلب هر ایرانی و لونه چندان باایمان به وجود می‌آورد. (براون، ۱۳۶۹: ۱۸۲)

محتشم در شعر خود محرم را رستاخیز عام می‌داند که قیامت کبری را در اذهان مجسم می‌کند و سرهای قدسیان را بر زانوی غم می‌بیند و در آن صبح تیره که خورشید از مغرب طلوع کرده، عزای اشرف اولاد آدم (ع) را به بهترین وجه به تصویر می‌کشد. به راستی در ساحل نگاه محتشم کشتی شکست خورده ی طوفان کربلا در میان امواج پرتلاطم احساسات محبان اهل بیت (ع) و در دریای خروشان اشک و آه دلبستگان نهضت عاشورا دوباره به جریان می‌افتد، چشم روزگار می‌گیرد و فریاد العطش کودکان خیمه های حسین (ع) از لابه لای واژگان پراحساس شاعر فرهیخته و فرزانه ی کاشانی هنوز به عیوق می‌رسد.



فصل سوم:

داده های پژوهشی

۳-۱ کاربرد آیات واحادیث و عبارات عربی در دیوان محتشم

یکی از سرمایه های جاودانی و افتخارآمیز ما ایرانیان سروده های شاعران و سخنوران است و همه می دانند که بسیاری از ابیات و عبارات این بزرگان را اشاره، تلمیح، اقتباس، تضمین، تحلیل آیات، قصص و تمثیل های گوناگون کتاب مبین و سخنان پیامبر بزرگوار خدا تشکیل می دهد و همه ی آن بزرگان در عبارت پردازی و استدلال و بیان مافی الضمیر خود از این موارد بهره مند شده اند. (حلبی، ۱۳۸۶: ۳)

پیشینه ی بهره وری و اثرپذیری سخنوران پارسی از قرآن واحادیث به نیمه ی سده ی سوم هجری برمی گردد. شاعران و سخنوران برای قداست بخشیدن به سخنان خود ویا کسب افتخار و امتیاز برای خویش یا حتی برای نمایش میزان احاطه ی علمی خود شان از مطالب قرآنی واحادیث معصومین استفاده می کردند. (راستگو، ۱۳۷۶: ۶)

بابررسی دیوان محتشم در می یابیم که ذهن این شاعر گرانمایه ی پارسی از آغاز با مفاهیم دینی و فرهنگ اسلامی و از جمله قرآن مجید و احادیث نبوی آشنا بوده است و او نیز مانند بسیاری از شاعران دیگر از مفاهیم قرآنی واحادیث و عبارات های عربی سودجسته است که میزان بهره گیری او از این گنج های هستی بخش و زبان قرآن قابل ملاحظه است.

در بخش اول اشعاری که در آنها به آیات واحادیث اشاره شده و نیز ابیات عربی دیوان استخراج گردیده و سپس آیه یا حدیث مورد اشاره ذکر شده و عبارات عربی ترجمه گردیده است.

۳-۲ واژگان واصطلاحات و ترکیبات کنایی در دیوان محتشم

محتشم شاعری بزرگوار و سخن سنجی کامل عیار است و در سرودن انواع شعر ماهر و به ویژه در فن قصیده و غزل و تاریخ یگانه ی عصر خود بوده و شاهد این مدعا قصاید غراً و قطعات شیوای تمام تاریخ و غزلیات دلنشین اوست اما با توجه به عصر زندگی محتشم دوازده بند مرثیه ی او دیگر آثارش را تحت تاثیر قرار داده است.

حکومت صفوی از حیث رواج زبان ترکی و نفوذ آن در اصطلاحات دیوانی امتدادی بود از دوران تیموری و باتسلط صفویان ادب ترکی از رواج و توسعه باز نایستاد. (صفا، ۱۳۷۱: ۴۲۳)

در دیوان محتشم به تعدادی از واژه های ترکی برمی خوریم که البته زیاد نیستند. واژگانی از قبیل:

قرق، قشلاق، یزک، یوخ بیلمز و شلتاق در دیوان او یافت شده است.

همراه بانشر تشیع در عهد صفوی و احیای دانش های مذهبی شیعه و مهاجرت گروهی از عالمان بزرگ تازی نژاد و شیعه به ایران دوره ی جدیدی از نفوذ فرهنگ تازی در ایران آغاز شد و کاربرد واژه های تازی و تعبیّرات و ترکیبات در شعر و نثر این دوره با وسعت زیاد مشاهده می شود. (صفا، ۱۳۷۱: ۴۳۲)

در جای جای دیوان محتشم واژگان عربی بسامد بسیار بالایی دارند به خصوص در رساله ی نقل عشاق و رساله ی جلالیه ترکیبات بدیع عربی دیده می شود. ترکیباتی از قبیل: **تردّد دغدغه زای تردّد فزایی، بیدل مستهام، یار قدیم العهد بطی ء الوفا، محبوب تتق احتجاب و...** (دیوان، ص ۱۳۳)

با بررسی دیوان شاعر تعداد واژه و اصطلاح و تعداد مورد ترکیبات کنایی استخراج و به ترتیب الفبا به کمک فرهنگ های مختلف توضیح داده شده است. در میان واژگان دیوان دو واژه ی «تغافل و استغنا» بسامد بالایی دارند.

۳-۳ بررسی تلمیحات به کار رفته در دیوان محتشم

در تعریف تلمیح گفته اند: تلمیح یعنی به گوشه ی چشم اشاره کردن و در اصطلاح بدیع آن است که گوینده در ضمن کلام به داستانی یا مثلی یا آیه ای و حدیثی معروف اشاره کند. (همایی، ۱۳۷۰: ۲۳۸)

استفاده از تلمیح نمایانگر میزان معلومات و اطلاعات شاعران بوده است. شاعران از تلمیح برای موارد ذیل استفاده می کرده اند:

۱- بالا بردن خبر ۲- اغراق ۳- اشاره به حوادث تاریخی ۴- ایجاز ۵- معنی آفرینی. (شمیسا، ۱۳۶۹: ۳۸)

محتشم نیز مانند دیگر شاعران به این صنعت بدیعی بسیار توجه داشته است و از آن برای بالا بردن خبر، اغراق و معنی آفرینی بهره برده است.

در دیوان او اشعار زیادی وجود دارد که در آن به شخصیت های مختلف اساطیری، تاریخی و مذهبی اشاره کرده است. با دقت نظر در دیوان شاعر معلوم می شود که در جای جای آن بسامد تلمیح به داستان یوسف (ع) و لیلی و مجنون و فرهاد و شیرین بیش از سایر تلمیحات است.

در بخش سوم شخصیت های اساطیری، تاریخی و مذهبی را به ترتیب الفبا معرفی نموده ایم.

۳-۴ کاربرد امثال و حکم در دیوان محتشم

نوعی از تمثیل ارسال مثل است و آن آوردن مثلی رایج است از آنچه میان خلق شهرت یافته و شاعر برای اثبات مدعای خود یا بیان حال خویش و این گونه موردها از آن استفاده می کند. از این مثل ها بعضی سابقه طولانی در زبان و ادب فارسی دارند و بعضی دیگر از کلام شاعران و نویسندگان بزرگ اخذ و در افواه منتشر شده و حکم مثل سایر یافته اند اینگونه تمثیل ها که حکم مثل سایر یافته اند

در اشعار شاعران عهد صفوی بسیارست زیرا آن گویندگان بسی از مضمون های شعری خود را از محیط دوروبر خود و از زندگی روزانه برمی داشتند و به همین سبب در سخنانشان نکته های قابل انطباق بر زندگی اجتماعی و فرهنگی های اخلاقی فراوان یافته می شود. (صفا، ۱۳۷۱: ۵۴۲-۵۴۰)

در این میان بعضی از بیت های مشهور آن عهد از کثرت شهرت و رواج به حد شیاع رسیده و حکم مثل سایر یافته اند اما مثل نیستند و می توان آنها را جانشین مثل دانست. (همان، ص ۵۴۲)

محتشم برای آراستگی کلام خود و برای دلنشینی آن از چاشنی امثال و حکم استادانه سودجسته است. استفاده از این صنعت زیبای ادبی کلام او را موثرتر می سازد و از حالت خشکی و جمود بیرون می آورد و در واقع نمک و تزئین سخن شاعر است که از کلام معمولی بیشتر به دل می نشیند. امثالی که در دیوان او ذکر شده دو گونه است:

الف: در بخشی از آنها شاعر به مفهوم ضرب المثل های رایج زبان فارسی نظر داشته است .

ب: در بخش دیگری از آنها یک بیت یا یک مصراع شاعر حالت ضرب المثل یا حکمت یافته است و در کتاب های امثال و حکم آمده است.

در بخش چهارم امثال و حکم موجود در کلام محتشم را استخراج و به ترتیب الفبا ذکر نموده ایم.

۳-۵ شرح اصطلاحات دیوانی در دیوان محتشم

بعد از تشکیل نخستین سلسله های ایرانی در ایران پس از اسلام برای اداره ی قلمرو و نواحی تحت تصرف خود اقدام به تشکیلات اداری نمودند که هر کدام از این تشکیلات دیوان گفته می شد. می توان گفت که اولین دیوان ها در زمان سلسله ی سامانی به وجود آمدند. بعد از روی کار آمدن سلسله های غزنوی و سلجوقی دستگاه حکومتی و اداری همانند دوره ی سامانی بود و فقط تغییرات جزئی در بعضی از دیوان ها به وجود آمد. (انوری، ۱۳۵۵: ۶)

این دیوان ها یا تشکیلات اداری از اصطلاحات خاصی استفاده می کرده اند که به آن اصطلاحات دیوانی گفته می شد. این اصطلاحات در دیوان اشعار شاعران پارسی کاربرد فراوانی داشته است زیرا شاعران معمولاً در خدمت پادشاهان و دستگاه حکومتی به سر می بردند و با این اصطلاحات آشنا بوده اند.

باعنایت به این که محتشم بخش قابل توجهی از اشعار خویش را به مدح شاهان و شاهزادگان صفوی اختصاص داده است بدیهی است که او در دیوان خود از اصطلاحات دیوانی استفاده کرده است. در این پژوهش تعداد ۲۴ اصطلاح دیوانی اشعار محتشم از دیوان او استخراج گردیده و بر اساس ترتیب الفبایی و با کمک فرهنگ های مختلف در بخش پنجم توضیح داده شده است.

۳-۶ شرح اصطلاحات نجومی دیوان محتشم

علم نجوم واحکام مربوط به آن از جمله دانش های کهن است که در متون ادبی انعکاس زیادی داشته است. این انعکاس در دیوان شاعران جلوه ای ویژه داشته است. (مصفا، ۱۳۶۶، ص ۱۴)

محتشم در دیوان خود به ۱۷ مورد از اصطلاحات نجوم اشاره کرده است که شرح آنها به فهم بیشتر اشعار کمک نموده و هنر شاعر را در احاطه علوم دیگر نمایان می سازد.

در بخش ششم ضمن تشریح این اصطلاحات با بهره گیری از فرهنگ اصطلاحات نجومی آنها را به ترتیب الفبایی آورده ایم.

۳-۷ بررسی و شرح اصطلاحات موسیقی دیوان محتشم

هنر موسیقی زبان مشترک بشری است و از سایر فرهنگ ها نیز تاثیر گذارتر و تاثیر پذیرتر است. موسیقی فراتر از مرزهای ایران خاستگاه های بسیار داشته است. (راهگانی، ۱۳۷۷: ۱۳) موسیقی ایران از دوره ی صفویه به بعد دچار رکود گردید و جنبه ی علمی خود را از دست داد. بعد از قاجاریه تعدادی محدود از اصطلاحات موسیقی غربی وارد زبان فارسی گردید. (همان، ص ۱۹)

به غیر از شاه عباس اول سایر پادشاهان صفوی به موسیقی علاقه ای نشان نمی دادند. (همان، ص ۳۱۸)

موسیقی و شعر به عبارت دیگر وحدت کلام و موسیقی از روزگار کهن لازم و ملزوم یکدیگر بوده اند. با پیشرفت فن موسیقی نیازش به شعر کاهش می یابد زیرا به تنهایی قادر به بیان مفهوم خواهد بود. در کشور ما ایران به علت موسیقی یک صدایی و نبود رشد تکنیک آن، شعر جزو لاینفک موسیقی گردیده است چنان که بیشتر وقت ها ساز و آواز را با یکدیگر به کار می برند. موسیقی یک صدایی قادر به بیان مقصود نیست و ناگزیر باید شعر را به خدمت گیرد. (همان، ص ۴۳۷)

با بررسی دیوان شاعران پارسی گوی می بریم که اغلب آنان به موسیقی علاقه داشته اند و حتی برخی از آنان در هنر موسیقی استاد زمان خویش بوده اند.

محتشم در دیوان خود به برخی از مسایل و اصطلاحات موسیقی اشاره کرده است. هر چند تعداد ابیاتی که مسایل موسیقی در آنها آمده است در مقایسه با علوم دیگر و هنرها چشم گیر نیست.

در بخش هفتم به شرح و توضیح ۱۰ اصطلاح موسیقی در دیوان محتشم پرداخته شده است.

کاربرد اصطلاحات دانش های دیگر در دیوان محتشم:

در عهد صفوی اگرچه برخی دانش ها از جمله پزشکی و دانش های عقلی و تصوف وضعیت مناسبی نداشته اند و به قول دکتر ذبیح الله صفا باید این دوره را سیر قهقرایی دانش بدانیم. (صفا، ۱۳۷۱: ۲۷۸)